

ادامه از صفحه اول

خبرات رأی دیوان عالی آمریکا

همیشه در صدر اخبار مربوط به کاندیداهای ریاست جمهوری آمریکا بوده است. به گفته یکی از روزنامه‌نگاران مطرح آمریکایی «این ایران است که همیشه سایه‌اش بر انتخابات ما سنگینی می‌کند و کسی می‌تواند وارد کاخ سفید شود که به خوبی از مهره ایران در شطرنج سیاسی انتخابات بهره‌برداری کند».
صدور رأی دیوان عالی کشور آمریکا در ۹ ماه مانده به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و اوج فعالیت انتخاباتی درون حزبی دو حزب جمهوری خواه و دموکرات به باور نگارنده، ریشه در همین «ایران‌هراسی» یا «بازر یا مهره ایران» در شطرنج سیاسی انتخابات آمریکا دارد.
نگاهی به مناظره‌های انتخاباتی درون‌حزبی و مناظرات مشترک کاندیداهای دو حزب در آمریکا و حساسیت موضوع ایران و اینکه کاندیدها در ورود به کاخ سفید با ایران چه خواهند کرد، اهمیت این رأی را می‌رساند.
حسب اطلاع نگارنده، دولت ایران در دادگاه‌های بدوی و استئناف آمریکا در موضوع مدعیان ورود خسارت در انفجارهای بیروت و الخبر، شرکت داشته و لایند مسئولان امر بر این باور بودند که این احکام اثری در داخل ایران ندارد.
یادآور می‌شوم، موضوع شکایت جان‌باختگان در انفجار بیروت به سال ۱۹۸۳ یعنی حدود ۳۰ سال پیش برمی‌گردد. پرسش این است: چرا محاکم آمریکایی در این مدت به این‌پرونده با جدیتی که امروز به آن پرداخته‌اند، نپرداختند؟ پاسخ ساده است. مذاکرات گروه ۵+۱ با ایران و حضور برنک تیم مذاکره‌کننده ایرانی که بعد از خروج پرونده از شورای عالی امنیت ملی و سپردن آن به وزارت امور خارجه و تصدی این وزارتخانه به وسیله دیپلمات پرتوان و متعهدی مانند دکتر ظریف و انتخاب تیم مذاکره‌کننده قابل و لایقی توسط دکتر ظریف، سرانجام به پیروزی ایران و برون‌رفت بی‌خطر از زیر بار شش قطع‌نامه فصل‌هفتمی انجمن‌امید. فضای آرامی‌که پس از این ماجرا ایجاد شد را عده‌ای برنافتند. لایبی صهیونیست‌ها و برخی کشورهای عرب و غیرعرب منطقه در خارج و حزب تندرو جمهوری‌خواه خصوصاً گرایش «تنوکان» آن در آن‌سوی آب‌ها، از جمله خسارت‌زدگان برجام هستند. از یک سو گروه‌های تندرو داخل هم این‌توفیق و پیروزی را به بهانه‌های مختلف که اثرات برجام بعد از صد روز مشاهده نمی‌شود، دروازه‌های مختلف بر طبل مخالفت کوبیده و اقدامات تحریک‌آمیزی انجام می‌دهند. اینها فضا و بستری را فراهم آورده که در آن‌سوی مرزها پرونده‌ای که بازگشایی آن به سال ۱۹۸۳ برمی‌گردد - در دست در زمانی که فضای مطلوبی بعد از خاتمه‌یافتن منازعات اتمی در روابط بین‌الملل به دست آمد- بستر مناسبی برای علیه ایران شود. این پرونده و سمت‌وسوئی آن می‌تواند به بزرگ‌ترین چالش سیاست خارجی ایران در آینده تبدیل شود. ممکن است بعد از این با پرونده‌های مختلفی روبه‌رو شویم که عده‌ای مخالف و شکات حرفه‌ای، به بهانه واهی حمایت ایران از گروه‌های مختلفی تروریستی و واردآدمی صدمه و دادگاه‌هایی همانند دادگاه فوق، در گوشه‌وکنار جهان و در پی انفجارهایی که امروزه در اطراف ما به وقوع می‌پیوندد تشکیل شوند و اجرای آرای خود را از محاکم آمریکایی بخواهند و یا تکیه بر این آراء، اموال کشورمان به تاراج برود. پرسش این است، برای جلوگیری از چنین ضرری چه باید کرد؟ باید این رأی را جدی گرفت. باید دایره‌ای در وزارت امور خارجه از حقوق‌دانان مجرب و متعهد تشکیل شود؛ امروز با هوشیاری حاکم بر وزارت امور خارجه می‌توان طرحی درافکند که از همان ابتدا مانع طرح ادعای واهی شده و دیگر شاهد صدور احکام ریزودرشت علیه منافع ملی کشورمان نباشیم.

نهاد مردمی شورا و حقوق شهروندی

یک طیف خاص اصولگرایان پس از سال ۹۲ به‌دلیل ازدست‌دادن دولت، اصولگرایان شورا را برای واردشدن همه طرف‌ها به تنش سیاسی تحریک کردند؛ اما بنای اصلاح‌طلبان، سخن‌گفتن بر مبنای قوانین موجود در مدیریت شهری و تأکید بر حقوق مردم تهران است که سال‌هاست مصائب زندگی در کلان‌شهر تهران را تحمل می‌کنند. در شهرداری تهران، اقیانوسی از نیرو وجود دارد؛ از کارشناس و مهندس تا استادان دانشگاه و نیروهایی که مدرک دکترا از دانشگاه‌های معتبر دارند؛ چپ، راست و تکنوکرات در آن حضور دارند. بنابراین تأکید ما، بی‌دلیل‌بودن حضور نیروهای وابسته به سایر نهادها در این مجموعه است که برخی از آنان، تخصص لازم را هم ندارند. موضوع مهم برای ما، استفاده از ظرفیت‌های درونی خود شهرداری است، خوشبختانه در میان اصلاح‌طلبان شورای شهر چهارم، استنادات سابق، نماینده سابق، کارشناس حوزه محیط زیست، شهردار و مسئول بلندپایه شهرداری سابق، کارشناس شاخص بازرگانی و... هم داریم و این باعث شده کار کارشناسی شهرداری با نظر اصلاح‌طلبان، با سهولت بهتری انجام شود. امیدوارم این «بهترین خدمت»، در مجلس دهم نیز توسط اصلاح‌طلبان دنبال شود که بیش از هر چیز، رضایت مردم را به‌همراه خواهد داشت.

شرق: وجود نام ایران در اوراق پاناما سبب شد تا

جویایی علت این حضور در فهرست متخلفان در سطح جهانی باشیم. پول‌شویی و فرار مالیاتی دو گزینه‌ای بود که اغلب افراد و کشورها در این فهرست به آن متهم شده بودند، اما با نگاهی به اوراق پاناما می‌گویید بعید می‌داند آنچه از ایران به میان آمده، مربوط به فرار مالیاتی یا پول‌شویی باشد. حسین وکیلی، معاون پیشین مالیات مستقیم سازمان امور مالیاتی کشور، در گفت‌وگوی خود با «شرق» تأکید می‌کند: نام ایران به دلیل دوزدن تحریم در این فهرست آمده است. به گفته او، انواع حالت‌هایی که افراد نمی‌توانند یا نمی‌خواهند معاملات شفاف داشته باشند، در اوراق پاناما هم دیده شده که البته به دلیل تحریم‌ها، ایران نیز از این معاملات غیرشفاف به‌دور نبوده است. وکیلی همچنین در خلال بررسی این مسئله، نیم‌نگاهی نیز به فرار مالیاتی در کشور و مقاومت‌ها در مقابل آن دارد. می‌گویید افرادی که صاحب ثروت هستند، قدرت هم دارند و تلاش می‌کنند با استفاده از این دو ابزار، از پرداخت مالیات سر باز زنند. او اشاره‌ای هم به بررسی حساب‌های بانکی دارد. او معتقد است دولت باید از حساب‌های بانکی افراد خبر داشته باشد. اینکه گفته می‌شود این حساب‌ها خصوصی و شخصی است، مقاومت‌هایی است که از سوی صاحبان مالی یک قدرت دارند و می‌شود. وکیلی اشاره‌ای هم به تأکید این جمله از سوی رئیس‌جمهور دارد و می‌گوید: «بزرگ‌ترین اشتباه استراتژیک رئیس‌جمهور همین بود. اصلاً معنی خوبی ندارد. این حرف در دنیای پیشرفته مقبول نیست. کشورهای دارای مدیریت موفق، وقتی می‌خواهند وضعیت مالی یک نفر را بداند یا ممیز مالیاتی می‌خواهد رسیدگی کند، حساب بانکی در اختیارشان هست». البته او تأکید می‌کند به‌رحال رئیس‌جمهور می‌خواهد کشور را اداره کند و وقتی همجه سنگین مقاومت‌ها را می‌بیند، این را می‌گوید.

آ چگونه معاملات را مخفی می‌کنند؟ مثلاً بحث کدفروشی که داریم. در سایت سازمان مالیاتی، شرکت‌هایی مشخص شده‌اند که در اصطلاح عامه لیست‌سیاه هستند و مشخص است که کدفروش بوده‌اند. کسانی که هیچ‌گاه قابلیت شناسایی ندارند. مثلاً یک شرکت تأسیس می‌کنند و روزی که شرکت ثبت می‌شود، همه آمارها و اطلاعاتشان درست است و تا زمانی که در معامله وارد نشده‌اند، مشخص نمی‌شود صوری هستند یا واقعی. بعد که وارد معامله می‌شوند، می‌بینند مثلاً پیرزنی است که در یک روستا زندگی می‌کند. با نام این افراد معامله‌هایشان را انجام می‌دهند. مالیات به نام آن پیرزن می‌آید که قابل‌دریافت نیست. راه‌های متفاوتی برای فرار مالیاتی وجود دارد. برای مقابله با این قبیل کارها لازم است در همه زمینه‌ها شفاف‌سازی داشته باشیم. مالیات یک گوشه از بخش‌های مدیریتی جامعه است. وقتی فرضاً کم‌رک، ثبت اسناد و املاک، بیمه‌ها، بانک‌ها و سایر دستگاه‌ها و اشخاص حقوقی، اطلاعات شفاف و درست‌رس نداشته باشند، دستگاه مالیاتی که علم غیب ندارد جلوی فرار مالیاتی را بگیرد. همه بخش‌های

کشور باید شفاف باشند، همه نظام باید ساختار مناسب داشته باشند و دولت بتواند از اطلاعات طرف حاضر است مالیات بدهد که پولش هم تمیز شود. آنجا که در اوراق پاناما از مقامات ایرانی هم نام برده‌اند، می‌توان این‌گونه تفسیر کرد که معاملات ایران در زمان تحریم را در قیل پول‌شویی قرار داده‌اند. کشور باید ساختار مناسب داشته باشند و دولت بتواند از اطلاعات طرف حاضر است مالیات بدهد که پولش هم تمیز شود. آنجا که در اوراق پاناما از مقامات ایرانی هم نام برده‌اند، می‌توان این‌گونه تفسیر کرد که معاملات ایران در زمان تحریم را در قیل پول‌شویی قرار داده‌اند. کشور باید شفاف باشند، همه نظام باید ساختار مناسب داشته باشند و دولت بتواند از اطلاعات طرف حاضر است مالیات بدهد که پولش هم تمیز شود. آنجا که در اوراق پاناما از مقامات ایرانی هم نام برده‌اند، می‌توان این‌گونه تفسیر کرد که معاملات ایران در زمان تحریم را در قیل پول‌شویی قرار داده‌اند. کشور باید شفاف باشند، همه

اینها همان مقاومت‌هاست. در واقع صاحبان پول هستند که این‌طور می‌گویند.

آ این جله را از آقای رئیس‌جمهور هم شنیده‌ایم. به‌رحال رئیس‌جمهور می‌خواهد کشور را اداره کند؛ مسائل مختلفی را در نظر می‌گیرد و وقتی همه سنگین مقاومت‌ها را می‌بیند، این را می‌گوید. ولی به‌نظر من بزرگ‌ترین اشتباه استراتژیک رئیس‌جمهور همین بود. اصلاً معنی خوبی ندارد. این حرف در دنیای پیشرفته مقبول نیست. کشورهای دارای مدیریت موفق وقتی می‌خواهند وضعیت مالی یک نفر را بداند یا ممیز مالیاتی می‌خواهد رسیدگی کند، حساب بانکی در اختیارشان هست. اما در مقابل باید در نظر بگیریم که شرایط کشور ما این‌طور نیست. شاید از یک جهت باید این حق را به ایشان داد، چون هنوز زیرساخت‌ها و بسترهای کشور ما به حدی نرسیده که دولت بتواند مثل جاهای دیگر که این مقررات را دارند، به مردم خدمت کند. در کشورهایی که تمام اطلاعات مردم در اختیار دولت است و دولت مالیات‌بایشان را کامل می‌گیرد در مقابل، مردم برای درمان و آموزش‌شان هزینه چندانی نمی‌کنند. در کشورهای دیگر خدمات دولت به مردم قوی است، از طرف دیگر از مردم مالیات می‌گیرند و مردم چون خدمات را می‌بینند، با رغبت مالیات می‌دهند. اما اینکه در اداره کشور بگویید این‌ا اطلاعات محرمانه است و لزومی ندارد دولت دسترسی داشته باشد، درست نیست و مطمئن باشید نمی‌توانید درست کار کنید. هزاران دادگاه برگزار کنید و حکم اعدام صادر کنید. باز هم این تخلفات صورت می‌گیرد. باید بتوانید جلوی این کار را بگیرید؛ نه اینکه بعد از اینکه اتفاقی افتاد، از بخشی از آنها مطلع شوید. چطور می‌توان جلوی کار را گرفت؟ اگر حسابی تراکنش غیرمنطقی داشت، بلافاصله دستگاه‌های ذی‌ربط باید مطلع شوند؛ وگرنه چطور می‌خواهند مانع شوند؟ دولت مگر خدمتکار مردم نیست؟ دولت باید از تمام شرایط یک فرد مطلع باشد که چقدر و بات چه اتفاقی پولی را به دست آورده یا هزینه کرده است. همان کاری که در دنیا می‌کنند. چرا یک نفر را پیدا می‌کنند که برایشان پول‌شویی کند و کلی خطرات را تقبل می‌کنند؟ چون پول نمی‌تواند بدون منشأ سالم وارد سیستم شود. اما اگر بگوییم حساب‌های بانکی محرمانه است، هر پولی به حساب بانکی افراد بیاید و دستگاه‌های ذی‌ربط کنترلی نداشته باشند، مشخص است هر روز با یک فساد جدید مواجه خواهیم شد.

رونمایی معاون پیشین سازمان مالیات از یکی دیگر از آثار منفی تحریم‌ها؛

تحریم، ایران را به اسناد پاناما کشاند



در مدیریت این منسوخ شده که شما بعد از یک اتفاق بخواهید بازرسی، کشف و پیگیری کنید. دنیا دیگر این روش را قبول ندارد.

آ اما حتی سازمان بازرسی هم همین کار را می‌کند. دستگاه‌های نظارتی ما عموماً بر مبنای خبر یا اینکه موضوع قبلاً اتفاق افتاده را بررسی می‌کنند. دستگاه‌های نظارتی ما زمانی می‌توانند قوی باشند که یک پایه اساسی فعالیت‌های آنها، نرم‌افزاری باشد؛ نه اینکه صرفاً بازرسی و پلیس و سیستم قضائی وجود داشته باشد. برای کشف و کنترل، نیازمند متخصصان سیستمی هستیم. منظور از سیستمی صرفاً نرم‌افزار و سخت‌افزار نیست بلکه نگرش سیستمی است که نیاز اصلی ماست. نمی‌دانم کشور ما چه زمانی می‌خواهد به این نگاه برسد. درحال حاضر در سازمان مالیاتی اتفاقات خیلی خوبی در این زمینه در شرف تکمیل است و آینده خوبی برای مالیات کشورمان شاهد خواهیم بود.

آ در سازمان امور مالیاتی هم در برابر تغییرات سیستماتیک که اشاره کردید، مقاومت بود؟ مقاومت در برابر تغییرات همیشه و همه جا وجود دارد؛ چه درون سازمان‌ها، چه بیرون سازمان‌ها. **آ** اما تغییر ریاست هم داشته‌ایم.

به‌رحال تغییر ریاست‌ها اتفاق می‌افتد و دولت‌های مختلف نگرش‌های مختلف و دیدگاه‌ها متفاوتی دارند و مختار به ایجاد تغییرات هستند. اما آنچه مهم است و باید دقت داشت، این است که در بیرون سازمان و در سطوح اجرائی سازمان‌ها وجود دارد. آقای دکتر طیب‌بنی، وزیر اقتصاد، به‌لطف دنبال این سبب که طرح جامع، کامل اجرا شود و بدیهی است هر رئیس سازمانی هم تغییر کند، تأثیری در این موضوع نمی‌گذارد. از نظر اصلاحات و ساختارها این تغییرات تأثیر ندارند. آنچه که هست، تمام این بحث‌های مربوط به مسائل مالی، فساد اقتصادی و مالیات تا زمانی که اطلاعات شفاف نباشد، تا زمانی که نگاه سیستمی آنها را مدیریت نکند، به نظم نمی‌رسد. معمولاً دستگاه‌های مالیاتی کشورها یک دستگاه حرفه‌ای هستند که کار فنی انجام می‌دهند، کار مالیات همی است. شما یا یک مدیر شرکت و یک سبسی اظهارنامه سروکار دارید. در این سبب اظهارنامه‌ها یک سری درآمد و هزینه هست. خیلی‌ها هم فرار مالیاتی داشتند که البته با قانون فعلی نمی‌توانیم نام ببریم اما در صورت اجرائی شدن قانون جدید، سازمان امور مالیاتی می‌تواند اسامی به‌دکاران را به مراجع مربوط اعلام کند.

آ این‌که بگذریم، فرار مالیاتی از چه طریقی می‌تواند انجام شود؟ به‌طورکلی لازمه مدیریت، داشتن یک نگرش سیستمی است. یکی از مشکلات بزرگ ما در کشور هم نبود این نگرش است. همیشه می‌خواهیم آخر خط تولید، کنترل کنیم. همیشه با ضرب و زور بازرسی بعد از یکی، دو سال حسابرسی می‌خواهیم بیجاچیم و اتفاقی افتاده است. بحث نگرش سیستمی می‌گوید باید در لحظه تولید، کنترل صورت گیرد که اتفاقی نیفتد. فرض کنید شما چراغ راهنمایی می‌گذارید و می‌گویید وقتی چراغ قرمز است کسی نباید عبور کند. یک نفر به هر دلیلی در نبود پلیس از چراغ قرمز عبور می‌کند. این نگاه که چراغ قرمز را گذاشته و این را کافی می‌داند، سیستمی کار نکرده است. اما اگر در کنار چراغ قرمز دوربینی بگذار و زمانی که چراغ قرمز است از خودروی درحال‌عبور عکس بگیرد و بتواند شماره پلاک را در باور و به صورت سیستماتیک، جریمه از طریق ایمل یا پست برای فرد ارسال شود، شخص مذکور متوجه می‌شود که هر لحظه دیده می‌شود؛ بنابراین از چراغ قرمز رد نمی‌شود. ما در همه بخش‌های کشورمان در همه مدیریت‌ها به این نگاه نیاز داریم؛ از جمله در مسائل مالیاتی. در مسائل بانکی مگر کم مشکل داریم؟ دلایلش این است که نگاه سیستمی لازم در طراحی سیستم‌ها و کنترلشان وجود نداشته است. پیش‌ازاین‌که یک‌سکه سیستمی ما شدیداً به آن نیاز دارد، بحث قانون است. چرا بانک مرکزی ما تا چند سال قبل اصلاً نمی‌دانست کدام بانک‌ها چه چک‌هایی را صادر یا پاس می‌کنند؟ مگر این همه سال امکانات الکترونیکی نداشتند؟ چرا نمی‌توانستند کنترل کنند؟ در چند سال گذشته نظارت‌ها خیلی متفاوت شده است. نگاه سیستمی در مدیریت بانک مرکزی وارد و تحولات

خوبی ایجاد شده است. سازمان مالیاتی و کم‌رک هم کل سیستم‌هایش را تغییر می‌دهد. پس در کشور به نگاه سیستمی وارد شده است. در کنار مدیران، قانون‌گذار هم باید نگاه سیستمی داشته باشد. قانون‌گذار باید در لحظه طراحی قانون، متوجه باشد یک سیستم را به جامعه می‌دهد. جامعه چطور می‌تواند خودکنترل باشد؟ باید اختیارش به دستگاه‌های مختلف داده شود. سازمان مالیاتی تا چند سال قبل، اطلاعات کافی از مودیان نداشت. قانونی تصویب شد که این اختیار را به سازمان داده است و قطعاً می‌تواند خیلی بهتر جلوی فرار مالیاتی را بگیرد. اکنون تمام کشورهای دنیا، حتی کشورهایی که از بهترین سیستم‌های اطلاعاتی برخوردارند، فرار مالیاتی دارند. مثلاً در گزارش‌هایی دیدم آمریکا حدود هشت درصد اقتصاد پنهان دارد. خیلی جاها این‌طور هستند؛ اما اینکه تا چه حد بتوانیم این قضیه را کنترل کنیم به نگاه سیستمی برمی‌گردد که بتواند اطلاعات را شفاف‌سازی کند و کنترل‌های سیستمی مناسب داشته باشد. اگر این اتفاقات بیفتد، جلوی فرار مالیاتی به نسبت زیادی گرفته خواهد شد. وقتی از بالا به دولت و مجموعه حکومت نگاه می‌کنید، مالیات بخشی از وظایف ملی و کارکرد دولت است. کل دولت و حکومت باید شفاف باشد. بانک‌ها، بیمه، کم‌رک، ثبت و... همه‌جا باید تمام داده‌ها کاملاً محرمانه وجود داشته باشد. دستگاه‌های مرتبط باید به‌راحتی اجازه دسترسی داشته باشند و بتوانند کنترل‌های لازم را داشته باشند. در کشورهای پیشرفته از اولین مرحله که داده‌ها وارد سیستم می‌شود، مجدداً به جای دیگری وارد سیستم نمی‌شود و همه بخش‌ها از آن داده‌ها می‌توانند بهره‌برداری کنند. اگر بتوانیم این کارها را در کشورمان انجام دهیم، باید با نگاه سیستمی به سمت شفاف‌کردن و کنترل سیستمی حرکت کنیم.

آ به بحث باید‌ها اشاره کردید. خیلی از این اتفاق‌ها در کشور ما نمی‌افتد. دلایلش مقاومت است یا سهل‌انگاری؟ هر دو. نگویم سهل‌انگاری، بگویم آشنایی نداشتن با نبود نگاه سیستمی. این است که افراد نیت خالصانه دارند و واقعاً دنبال انجام کار خوب هستند اما چون نگاه سیستمی ندارند، عملاً نمی‌توانند به خواسته خودشان برسند و فکر می‌کنند کارشان بهترین است. بخش دیگر که شاید خیلی قوی‌تر باشد، بحث همان مقاومت‌هاست. به‌رحال صاحبان پول، قدرت هم دارند و به‌همین‌خاطر خیلی جاها مانع‌تراشی می‌شود. با زبانی غیر از آنچه در ذهنشان دارند، اجازه نمی‌دهند که شفاف‌سازی شود. این مقاومت‌ها همیشه بوده و هست اما مدیریت و تفکر خلاق باید بتواند در بحث قانون‌گذاری و اجرا پیش برود. اجرا، بدون قانون نمی‌تواند کار کند. همیشه باید این‌دو را در کنار هم مسئول بدانیم. هم قانون‌گذار و هم مجری با نگاه قوی و متفکر باید بتواند با وجود مقاومت‌ها رشد کند و جلو برود. شاید خیلی‌ها اطلاعات کافی ندارند. لازم است به مقوله شایسته‌سالاری نیز، که هم در دین ما توصیه فراوان به آن شده و هم در علم مدیریت به آن تأکید می‌شود، به طور جدی‌تر اهمیت داده شود.

آ سازوکار کسری از شرکت‌های برون‌مرزی که براساس اسناد پاناما، بنگاه‌های مالیاتی تشکیل دادند و از آن طریق فرار مالیاتی داشته‌اند یا از طریق آنها پول‌شویی و تخلف مالی انجام می‌دادند را توضیح دهید.

در کشور ما برخلاف خیلی از کشورهای دنیا، صدارتی که انجام می‌شود، معاف از مالیات است و اصلاً ضرورتی برای فرار مالیاتی نیست. بحث دیگر واردات است. واردات جنبه هزینه‌ای دارد؛ یعنی خرید دارایی و کلاست. کسی که خریدش را می‌آورد و به ما نمی‌گوید، به ضررش است. می‌ماند کسانی که کالای قاچاق می‌آورند که عموماً واردشان به اطلاع کم‌رک و سازمان مالیاتی نمی‌رسد. مگر اینکه در سطوح پایین‌تر کسب و کار به‌عنوان خرید و فروش داخلی، سازمان مالیاتی اینها را ببیند. فرض کنید از خارج کشور کالایی را به صورت قاچاق وارد کرده و به شما می‌فروشم. شما در داخل کشور خرید دارید و به کسی دیگر می‌فروشید. همین‌طور به دست مصرف‌کننده می‌رسد. معاملات شما در سطح پایین‌تری می‌تواند دیده شود اما وقتی کالا به صورت قاچاق وارد شده، دیده نمی‌شود. در فعالیت‌های برون‌مرزی هم روش‌های فرار مالیاتی این‌طور نیست که بگوییم شرکتی فرار مالیاتی را سامان دهد. قطعاً برخی شرکت‌ها نقش افرادی را در یک فرایند معاملاتی بازی می‌کنند و معمولاً در محل‌هایی این را انجام می‌دهند که به آنها بهشت مالیاتی می‌گویند.

آ بهشت مالیاتی؟

مثلاً در کشور A اگر درآمدی کسب کنید، ۱۰ درصد مالیات می‌دهید. در کشور B، ۳۰ درصد و در کشور C معاف از مالیات هستید. اینها برای فرار از مالیات در کشور C کار می‌کنند یا حداقل مدارکشان را طوری نشان می‌دهند که در آن کشور این معامله را انجام داده‌اند. شرکتی که این کارها را می‌کند، جادوجنبلی نمی‌کند و از این مسیرها وارد می‌شود. معاملات برون‌مرزی ما به دلیل معافیت از مالیات، معمولاً نیاز به فرار از مالیات داخل ندارند. به همین دلیل به نظر من آنچه در اسناد پاناما بر آن تأکید شده، مسائل مربوط به تحریم است و نه فرار مالیاتی، زیرا براساس قانون، هر فردی اگر به خارج از کشور کالا یا خدمات صادر کند، معاف از مالیات است. در واردات هم اگر بخواهید به صورت رسمی وارد کنید، شناسایی می‌شود و اگر غیررسمی باشد شناسایی نمی‌شود. آنچه در ذهن شماست که به‌خاطر فرار مالیاتی در ایران، کسی در موضوع پاناما حضور نداشته باشد، به‌نظرم بعید است.

بورس

سایه یک خبر خارجی بر بورس



● شاخص بورس اوراق بهادار در معاملات روز گذشته با اندکی افزایش به میزان ۱۰ واحد به رقم ۷۸ هزارو ۴۰۴ واحد رسید. هلدینگ خلیج فارس با ثبت ۶۷ واحد مثبت و شرکت سرمایه‌گذاری گروه توسعه ملی با ثبت ۴۳ واحد منفی بیشترین تأثیرات مثبت و منفی را بر شاخص از خود به‌جای گذاشتند. همچنین در آخرین روز کاری هفته، ارزش معاملات بورس ۲۵۳میلیارد و فرابورس ۱۷۳میلیاردتومان بود، در نتیجه مجموع معاملات این دو بازار به رقم ۴۲۶میلیارد تومان رسید. لازم به ذکر است در روز قبل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی پس از هفت‌ماه توقف نماد با ارسال شفاف‌سازی در مورد وضعیت شرکت به رنگ معاملاتی برگشت و به همین دلیل بیشترین حجم معاملات را به خود اختصاص داد. مهم‌ترین خبر در مورد شرکت‌های بورسی مربوط به اطلاعات جدید در مورد افزایش سرمایه از طریق تجدید ارزیابی دارایی‌ها برای شرکت‌هایی که در سال قبل اقدام به افزایش سرمایه از این محل کرده‌اند اما تاکنون موفق نشده‌اند از سازمان بورس مجوز را دریافت کنند، بود. بنابراین براساس جوابیه سازمان امور مالیاتی به سازمان بورس اوراق بهادار، به شرکت‌های مزبور اجازه داده شد تا قبل از ارائه صورت‌های مالی سال ۱۳۹۴ اطلاعات مربوط به افزایش سرمایه خود را به ثبت برسانند تا از معافیت مالیاتی ناشی از تجدید ارزیابی استفاده کنند. بازار در این هفته با خبرهای بسیار مهم روبه‌رو نشد و بنابراین این وضعیت بر روند و حجم معاملات تأثیرگذار بوده است. اما در بُعد خبرهای خارجی مهم‌ترین رخداد مربوط به رشد قیمت نفت است که از ۴۶ دلار نیز عبور کرده است. چنانچه قیمت نفت به روند صعودی خود ادامه دهد، برای وضعیت کلان اقتصادی کشور بسیار مفید خواهد بود، در نتیجه برای شرکت‌های بورسی به‌خصوص شرکت‌هایی که مستقیماً از قیمت نفت اثر می‌پذیرند شرایط امیدوارکننده‌ای را ایجاد می‌کند.

عنوان شاخص	مقدار	تغییر
کل	۷۸۴۰۴۷	۱۰،۲۷+
شاخص قیمت	۲۹۵۹۳۴	۳،۹۱+
شاخص کل (محرک)	۱۳۶۸۹،۶	۶۵،۳۰+
شاخص قیمت (محرک)	۱۱۱۴۵	۵۴،۷۰+
آرد دانشاور	۸۷۹۷۱،۵	۱۹۸،۵۶+
۵۰ شرکت بزرگ	۳۱۵۵۱	۰،۲۰-

ارز و طلا

طلا در انتظار

● شرق: دیروز طلا با رشد قیمت همراه شد. این سومین روزی است که طلا با افزایش نسبی همراه می‌شود، بااین‌همه رشد قیمت طلا در محدوده معینی قرار دارد چراکه سرمایه‌گذاران بین‌المللی منظر روشن‌شدن نتایج نشست دروزره فدرالرزرو آمریکا هستند. دیروز هر اونس طلا ۱۲۵۱٫۲ دلار هم پیش رفت که نتیجه آن در بازار طلای تهران مشاهده شد. هر سکه طرح جدید و قدیم به‌ترتیب شش و هفت‌هزارتومان با رشد قیمت همراه شدند و سایر سکه‌ها نیز بسته به تقاضا، نوسان صعودی را تجربه کردند. به گزارش تلاش تحلیلمان بانک ایران‌زد استرالیا اعلام کردند کاهش ارزش دلار مهم‌ترین عامل افزایش قیمت طلا بوده است. اگر فدرالرزرو آمریکا چشم‌انداز خود نسبت به اوضاع اقتصادی را تغییر ندهد و ارزیابی متعادل‌تری نسبت به ریسک‌های موجود در اقتصاد آمریکا ارائه کند، احتمال افزایش نرخ بهره طی ماه‌های آینده بیشتر خواهد شد. در همین‌طور زمینه بولمیرگ گزارش داده که چین، بزرگ‌ترین مصرف‌کننده طلای جهان در ماه مارس، واردات خود از هنگ‌کنگ را به‌طور چشمگیری افزایش داده است. کاهش قیمت و رشد تقاضای سرمایه‌گذاری تأثیر زیادی بر افزایش واردات طلای چین داشته است. خالص واردات طلای چین از هنگ‌کنگ طی ماه مارس به بیش از ۶۴۱ تن رسیده است. این رقم در ماه فوریه به ۴۱۹ تن رسیده بود. ۱۶درصدی روبه‌رو شده، در ماه مارس افت ۰۵ درصدی را تجربه کرده است. بازار ارز هم کم‌کانک در پی‌خری است و دلار خیلی تلاش کند بیش از ۲۰ تومان در نوسان نخواهد بود.

ارز	قیمت(آمن)	تغییر
دلار آمریکا	۳۴۶۸	-
یورو	۳۹۲۷	+۷
پوند	۵۰۶۰	+۲۵
درهم	۹۵۰	+۱
طلا و سکه	قیمت	تغییر
طرح جدید	۱۰۳۰۰۰۰۰	+۶۰۰۰
طرح قدیم	۱۰۲۹۰۰۰۰	+۷۰۰۰
نیم	۵۴۱۰۰۰۰	+۱۰۰۰۰
ربع	۲۹۰۰۰۰۰	+۲۰۰۰۰
گرمی	۱۹۹۰۰۰۰	+۱۰۰۰۰
گرم ۱۸ عیار	۱۰۵۰۰۰۰	+۶۰۰۰
اونس (دلار)	۱۲۵۱،۳	+۸،۸